

مفهوم‌شناسی، مصداق‌یابی و کارکردهای فرهنگی قرای ظاهره در روایات امامیه

فاطمه لطفی‌پور^۱، زهرا صرفی^۲، مریم ولایتی کباییان^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳)

چکیده

کلید واژه «قُرْی ظَاهِرَة» تنها یک‌بار در قرآن، در آیه ۱۸ سوره سبا، به‌کار رفته و به مجموعه‌ای از شهرها و روستاهای نزدیک به‌هم که از یکدیگر نمایان‌اند، اشاره دارد. اما بر پایه‌ی فرمایش امام‌باقر (ع) به افرادی گفته می‌شود که قفه را از امام دریافت‌کرده و به عنوان امینان جامعه در گسترش دین‌مداری جامعه پویا هستند. عنوان قرای ظاهره، یادکرد از افراد خاصی است که هیچ نام و نشانی از آنها در متون نیامده اما مصداق این عبارت برای امام معلوم و مشخص است. پیوست به اینکه بدون مفهوم‌شناسی این عبارت، امکان برداشت‌های دگرگون وجود دارد، ضرورت این پژوهش را نمایان می‌کند. مکتوبی که پیش‌رو دارید تلاشی است برای ارائه‌ی منظومه‌ای سامان یافته پیرامون مفهوم، مصداق و کارکردهای قرای ظاهره که باشیوه‌ی ردیابی فرایند، مورد بازشناسی قرار گرفته است. با نظر به رفتار فرهنگی - تعلیمی امام‌باقر (ع) و با استناد به تعداد روایات نقل‌شده از ایشان که بالاترین آن مربوط به اصحاب ایشان است، می‌توان به‌عنوان مصادیق قرای ظاهره، راویان دین‌شناس و پُرکار ایشان که به‌دلیل برخورداری حداکثری از آموزه‌های دینی در رفع نیاز و اصلاح فرهنگ جامعه نقش آفریدند از جمله زراره، محمدبن مسلم، بریدین معاویه و... را نام‌برد. توجه نهاد امامت به این جایگاه حقوقی ایجاب می‌کند که در مقاله پیش‌رو کارکردهای فرهنگی این اصحاب از جمله: اهتمام به حفظ امانت و انتقال صحیح میراث حدیثی، زدودن دین از پیرایه‌های ناصواب فرهنگی و... در بستر تاریخ حدیث شیعه مورد واکاوی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: قرای ظاهره، میراث حدیثی، امام باقر (ع)، کارکردهای فرهنگی، روایات امامیه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران؛

f.lotfipour@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

sarfi@alzahra.ac.ir

۳. استادیار گروه حدیث، دانشکده علوم و معارف حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران؛

velayati.m@qhu.ac.ir

۱. بیان مسأله

در متون حدیثی شیعه، وجود گزاره‌هایی برجسته، که در نظر امام بارمعنایی ویژه‌ای دارند و پنداشته می‌شود امام نسبت به آن حساسیت داشته و از کاربست آن هدف خاصی را دنبال می‌کند؛ نمونه‌های اندکی شناسانده شده‌است، یکی از آن‌ها، عبارت «قرای ظاهره» است. باز گفت حساسیت ایشان، نیازمند رمزگشایی است زیرا مفهومی به ما انتقال می‌دهد که برای ما ناآشناست و برای روشن شدن آن بایسته‌است سوالات پیش‌رو مورد واکاوی قرارگیرد:

قرای ظاهره چه مفهومی دارد؟ مصادیق قرای ظاهره چه کسانی‌اند؟ کارکردهای فرهنگی قرای ظاهره چیست؟ چرا مصادیق قرای ظاهره تنها در اصحاب امام باقر(ع) آمده و آیا قرای ظاهره در زمان معاصر، مصداق دارد؟

تبیین مفهوم و گونه‌شناسی مصادیق این عبارت، نیازمند پژوهش است؛ به این صورت که در برخورد نخستین به وسیله روش ردیابی فرایند^۱ به کارکردهای فرهنگی یاران مخاطب عبارت «قرای ظاهره» پرداخته شود تا چرایی کاربرد عبارت ویژه توسط معصوم واضح گردد.

۲. مقدمه

در عصر شکل‌گیری و توسعه معرفت دینی در سنت شیعی، دوره امامت امام محمدباقر(ع) نقطه عطفی در نظام‌مندسازی، گسترش، و بازتولید علمی آموزه‌های اهل‌بیت(ع) به‌شمار می‌آید. این مقطع زمانی، مقارن با تحولات فرهنگی و سیاسی

۱. روش ردیابی فرایند (process tracing)؛ یک روش تحقیق کیفی است که به محققان امکان می‌دهد تا چگونگی و چرایی وقوع یک رویداد یا پدیده را با بررسی گام به گام فرآیندهای علی مرتبط، توضیح دهند. این روش کاربرد زیادی در فهم تحولات و انگیزه رفتارها در تحقیقات علوم پیرا حدیثی و به خصوص در تاریخ حدیث شیعه دارد. کتاب‌های روش تحقیق که به طور خاص به روش‌های تحقیق کیفی می‌پردازند، معمولاً فصلی را به ردیابی فرایند اختصاص می‌دهند.

کتاب‌هایی مانند "Designing Social Inquiry" اثر Gary King, Robert O. Keohane, and Sidney Verba، و "Case Studies and Theory Development in the Social Sciences" اثر Alexander L. George and Andrew Bennett، از جمله منابع معتبر در این زمینه هستند.

گسترده‌ای است که جامعه شیعه را از نظر هویتی، معرفتی و نهادی در تنگناهای متعددی قرار داده بود. در چنین بستری، مفاهیمی همچون «قرای ظاهره» در روایات تفسیری، نه به‌مثابه اصطلاحی صرفاً زبانی، بلکه به‌منزله‌ی مفهومی دینی، فرهنگی و تاریخی، قابل تحلیل و بازشناسی است.

واکاوی روایات وارده از اهل‌بیت(ع) نشان می‌دهد که اصطلاح «قرای ظاهره» در لسان ائمه اطهار(ع)، به حاملان دین، فقها، راویان و عالمانی اطلاق می‌شود که مسئولیت انتقال آموزه‌های دینی به جامعه شیعی و صیانت از میراث معرفتی امامان را برعهده دارند. به ویژه، با بررسی کمی و کیفی روایات رسیده از امام باقر(ع) در کتب اربعه و ارزیابی دقیق آن‌ها، می‌توان دریافت که اصحاب و راویان آن حضرت، به‌ویژه چهره‌هایی همچون زراره، محمدبن مسلم، ابوبصیر، فضیل بن یسار و یرید بن معاویه، مصدق برجسته‌ای از قرای ظاهره‌اند که در بازسازی و انسجام بخشی به فرهنگ دینی شیعه نقشی کلیدی ایفا کردند.

از سوی دیگر، شناخت دقیق جایگاه این گروه، بدون تحلیل زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی عصر امام باقر(ع) ممکن نیست. دوره‌ای که از سویی با فقر فرهنگی شدید در جامعه شیعی، حضور جریان‌های رقیب اهل سنت، و تهدیدات سیاسی - امنیتی گسترده علیه شیعیان همراه بود، و از سوی دیگر، با نفوذ جریان‌ات انحرافی نظیر غلات و رشد احادیث مجعول، شرایطی پیچیده و بغرنجی برای تولید و انتقال معرفت دینی ایجاد کرده بود. به همین سبب برای راهیابی به مبحث قرای ظاهره، بایستی دانسته‌شود در عصر امام باقر(ع) چه ویژگی‌های تاریخی وجود داشته و جامعه‌ی شیعه دچار چه موانع و مشکلاتی بوده است و چگونه امام با گام‌های موثر خود در جهت فرهنگسازی توسط این افراد، جامعه شیعه را از چالش‌های بزرگ فرهنگی نجات داده است.

پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از روش ردیابی فرایند و اتکاء به منابع حدیثی و رجالی معتبر، ضمن تبیین مفهوم قرای ظاهره، مصدق روشن آن را در دوره امام باقر(ع) بازشناسی نموده و جایگاه آنان را در فرایند تثبیت فرهنگ شیعی و صیانت از آموزه‌های

امامان تحلیل نمایند. این واکاوی، نه تنها گامی در فهم ژرف‌تر نقش راویان و فقها در تمدن‌سازی شیعی است، بلکه زمینه‌ای برای بازتعریف معیار وثاقت و مرجعیت علمی در سنت امامیه فراهم می‌آورد.

۳. پیشینه

براساس یافته‌ها، اولین کسی که کنشگری خاص نسبت به این عبارت داشته، شیخ صدوق بوده‌است. او روایت امام زمان را نقل می‌کند که به یکی از وکلای خود بنام حمدبن صالح همدانی می‌گوید: «...نحن والله القرى التى بارک الله فيها وأنتم القرى الظاهرة» (صدوق، کمال الدین، ۴۸۳/۲).

به منظور دقت و سنجیدگی بیشتر دریافته‌ها، می‌توان پیشینه را به دو صورت نگریست:

۳-۱. پیشینه موضوعی: کسانی که از حیث رجالی پیرامون آیه ۱۸ سوره سبا، بویژه عبارت «قرای ظاهره» در کتب خود نگاشته‌ای برنمایانده‌اند، بدین شرح است:

جدول ۱: پیشینه موضوعی قرای ظاهره

قرن چهارم	شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) ^۱
قرن پنجم	شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) ^۲
قرن ششم	احمدبن علی طبرسی ^۳
قرن بازدهم	سیدحسین حسینی حلی ^۴ ، محمدبن مومن گیلانی ^۵ ، محمدبن علی استرآبادی (۱۰۲۸ ق) ^۶
قرن دوازدهم	محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) ^۷ ، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق) ^۸

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. الغیبه، ص ۳۴۵.

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۷.

۴. زبدة الاقوال فی خلاصه الرجال، ج ۱، ص ۴۶۴.

۵. الذریعه الى حافظ الشریعه، ج ۲، ص ۴۲۵.

۶. منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، ج ۱، ص ۲۸۱.

۷. مرآه العقول فی شرح اخبار آل رسول، ج ۵، ص ۲۶۹.

۸. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۱۰.

قرن سیزدهم	محمد مهدی کجوری شیرازی (م ۱۲۹۳ق) ^۱ ، ابوعلی حائری (م ۱۲۱۵ یا ۱۲۱۶ق) ^۲ ، سید محسن حسینی اعرجی (م ۱۲۲۷ق) ^۳
قرن چهاردهم	عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ق) ^۴ ، شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ق) ^۵ ، حاج میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰) ^۶ ، ملاعلی علیاری تبریزی (م ۱۳۲۷ق) ^۷
قرن پانزدهم	محمد تقی شوشتری (م ۱۴۱۵ق) ^۸ ، عزیزالله عطاردی (م ۱۳۹۳ش) ^۹ ، سید ابوالقاسم خویی (م ۱۳۷۱ش) ^{۱۰}

۳-۲. پیشینه تحقیق: با بررسی پیشینه پژوهش درباره‌ی عبارت «قرای ظاهره»، هیچ

مقاله‌ی مستقلی هم‌سو با موضوع پیش‌رو یافت نشد، لکن کاربست این‌واژه در مقالات زیر مورد نقد و بررسی قرار داده می‌شود:

۱. «مبتکر نظریه رکن رابع ایمان در شیخیه» از سید محمد رضا لواسانی در نشریه مطالعات تاریخ اسلام (۱۳۹۴)، که در آن به سلسله مراتب قرای ظاهره در آثار شیخیه پرداخته شده است.

۲. «اصل معرفت به رکن رابع در اندیشه‌ی شیخیه» از داریوش رحمانیان و محسن سراج در نشریه مطالعات تاریخ اسلام (۱۳۹۰)، که در آن حاج محمد کریمخان برای اثبات ادعای خود یعنی قرارداد معرفت به رکن رابع به عنوان اصلی از اصول مکتب شیخی، به آیه ۱۸ سوره سبا و احادیث مربوط به آن رجوع می‌کند.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۱۰۴.
۲. منتهی المقال فی احوال الرجال، ج ۷، ص ۴۷۳.
۳. عده الرجال، ج ۱، ص ۸۱.
۴. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۲۸۴.
۵. سفینه البحار و مدینه الحکم و الانار، ج ۱، ص ۱۶۲.
۶. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲۲، ص ۱۳۰.
۷. بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ج ۷، ص ۶۳۶.
۸. قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۳۳.
۹. مسند الامام الباقر، ج ۳، ص ۴۷۲.
۱۰. معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۱۹۵.

۳. «یک کتاب در یک مقاله: نهضت انتظار و انقلاب» از مجتبی قربان در نشریه مبلغان (۱۳۹۸)، که در آن بر پایه‌ی آیه ۱۸ سوره سبا و روایات تفسیری مربوط به آن، نقش علما در عصر انتظار را بیان می‌کند.

۴. «جایگاه و رسالت عالمان دینی با تأکید بر جایگاه و رسالت روحانیان در سپاه» از علی رفیعی در نشریه پیام (۱۳۹۰)، که در آن برای اثبات جایگاه علما دینی به آیه ۱۸ سوره سبا و اینکه قرای ظاهره همان علمای دینی هستند اشاره می‌کند.

۵. «بررسی تضادهای درونی میان گفتارها و رفتارهای سید باب در مسئله امام‌زمان» از مهدی هادیان در نشریه بهایی شناسی (۱۳۹۵)، که در آن شیخ احمد احسائی خود را مزین به مقام قرای ظاهره وانمود می‌کرد.

۴. مفهوم‌شناسی عبارت «قرای ظاهره»

برای ورود به گفتگاه «قرای ظاهره»، ابتدا باید آن را تعریف کرد؛ زیرا سبب زدایش ابهام معنایی و روشن‌گری مفهوم حقیقی این عبارت می‌شود.

۴-۱. واژه «قَری» در لغت

ماده «قاف، راء، حرف معتل» در اصل بر جمع‌شدن و اجتماع دلالت دارد. یکی از مشتقات آن، قریه است که علت نامگذاری‌اش، اجتماع مردم در آن است و بر این پایه، قریه اسمی است که برای محل اجتماع مردم بکار می‌رود (ابن فارس، ۷۸/۵). جمع آن «قَری» است و ام‌القری شهر مکه است (فراهیدی، ۲۰۴/۵). به نظر می‌رسد برای حمل قریه بر اجتماع مردم برخی مویدات از متون لغوی هم می‌توان ارائه داد. نخست آنکه اصل معنای ماده قری، جمع و اجتماع است. دوم آنکه ابن فارس در تبیین مفهوم جمله «قَرِیتُ الْمَاءِ فی الْمِقْرَاءِ» می‌گوید: «قَرِیتُ الْمَاءِ فی الْمِقْرَاءِ: جمعتُهُ، و ذلک الْمَاءُ الْمَجْمُوع، قَرِیٌّ» (ابن فارس، ۷۸/۵). یعنی «آب را در المقراه جمع کردم (قریت = جمعت)، و آن آب جمع‌شده را (قَری)»

گویند». بر این اساس هم برای اشاره به فعل جمع کردن (قریت) و هم برای اشاره به جمع شده (قَرِی) و هم به محل جمع (المقراه) از ماده قری استفاده شده است. همچنین لازم به ذکر است که «المَقْرَأَةُ» شبه حوض بزرگی است که در آن از چاه آب جمع می‌شود، سپس آب از آن در «قَرُو» یا تشتی بزرگ وارد می‌شود (فراهیدی، ۲۰۴/۵). در نهایت آن‌که قریه و جمع آن قری هم در معنای اجتماع مردم و هم در معنای محل اجتماع مردم بکار می‌رود.

۴-۲. واژه «ظاهره» در لغت

حروف «ظاء، هاء و راء» یک ریشه صحیح و واحد هستند که بر دو معنا دلالت می‌کند:

- قوت و بروز: «ظَهَرَ الشَّيْءُ» به معنای آشکار و نمایان شدن چیزی است. الظاهرة: به معنای نیمروز است (ن. حمیری، ۴۲۵۷/۷)، زیرا آشکارترین و روشن‌ترین اوقات روز است. «ظَهیر» به معنای شتر قوی است. و «ظُهار» از پَر به معنای آنچه از آن در بال ظاهر می‌شود (ابن فارس، ۴۷۱/۳). و «العین الظَّاهِرَةُ»: چشم بیرون‌زده‌ی درشت است، و آن خلاف فرورفته است (فراهیدی، ۳۸/۴؛ نک: حمیری، ۴۲۵۷/۷؛ ابن‌منظور، ۵۲۲/۴). واژه «ظهر» برای هر چیزی که دیده و درک شود به کار می‌رود و ظاهر، به معنای حاصل شدن و به دست آمدن چیزی است بر روی زمین، بی آنکه از دیده‌ها پنهان باشد. در فرهنگ قرآن به هر چیز قابل دیدن و آشکار، ظاهر و به امور پنهانی، باطن گفته می‌شود، مانند: امور دنیوی و اخروی (راغب، ۳۱۷/۲). و «الظَّوَاهِرُ»: بلندی‌های زمین و «ظَاهِرَةُ الْجَبَل»: بالای کوه است، و «ظَاهِرَةُ» هر چیزی بالای آن است، چه سطح آن هموار باشد چه نباشد، و هنگامی که بر پشت آن بالاروی، تو بالای ظاهر آن هستی (ازهری، ۱۳۶/۶).

- پشت: اصل درهمه این معانی، پشت انسان است که خلاف شکم اوست و هم بروز و هم قوت را در برمی‌گیرد. و به مرکب «ظَهْر» گفته می‌شود، زیرا آنچه از آن چیزی را حمل می‌کند، پشت‌های آن‌هاست. و «ظَهیر» به معنی کمک‌کننده، گویا پشت خود را به پشت تو تکیه داده است. و «ظَهْرِيَّ»: هر چیزی که آن را پشت سر قراردادی، یعنی آن‌را فراموش کنی، گویا آن را

پشت سرت قرار داده‌ای، به‌خاطر رویگردانی و ترک آن (ابن‌فارس، ۴۷۱/۳) و «قَدَرُ ظَهْرٍ»:
دیگر کهنه است گویا به‌خاطر قدمتش پشت‌سر انداخته‌شده است (ابن‌منظور، ۵۲۲/۴).
کوتاه سخن این‌که در نظر نگارنده هر آنچه که دیده و درک شود و برای انسان
محسوس باشد، ظاهر است و قری‌ظاهره در لغت اینگونه تعریف می‌شود؛ آبادی‌های آشکار
و برجسته از جهت ساختمان‌ها، باغ‌ها و کشتزارها، که برخی از آن‌ها به برخی دیگر نزدیک
و متصل هستند یا مشرف هستند (ن. حمیری، ۴۲۵۷/۷) و به‌سبب قرار گرفتن در کنار راه،
برای رهگذران آشکار هستند (مصطفوی، ۲۲۲/۷).

۵. گونه‌شناسی مصادیق «قری‌ظاهره» در تفاسیر و احادیث

کلید واژه «قری‌ظاهره» دربرگیرنده‌ی افراد برگزیده‌ای است که نامی از آنها به‌عنوان
مصدق ذکر نشده است. از این‌رو بایسته است تا در این پژوهش با بر رسیدن در آیات،
روایات و تفاسیر، مصادیق تبیین‌شود.

۵-۱. گونه‌شناسی مصادیق «قری‌ظاهره» در تفاسیر

عبارت «قری‌ظاهره» تنها یکبار در قرآن و در آیه ۱۸ سوره سبا آمده است:
«وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ
أَيَّامًا آمِنِينَ»^۱.

علامه طباطبایی پیرامون این آیه در تفسیر المیزان می‌نویسد: منظور از قرایی که فرموده
در آن برکت نهادیم، قرای شام است (طباطبایی، ۳۶۵/۱۶؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۰۵/۸).
ابن‌عباس مراد از «القرای المبارک» را بیت‌المقدس و مجاهد نیز، شام دانسته است (طوسی،
التبیان، ۳۸۸/۸؛ طبری، جامع‌البیان، ۵۸/۲۲) و برخی دیگر «بَارَكْنَا فِيهَا» را مکه دانسته‌اند

۱. «و ما بین آنان و دهکده‌های پر برکت قریه‌ها قرار دادیم، که یکدیگر را می‌دیدند، و مسافت بین آنها را به اندازه هم
کرده بودیم، گفتیم: در بین این شهرها شبها و روزها سیر کنید، در حالی که ایمن باشید» (طباطبایی، ۱۳۷۸ش،
ج ۱۶، ص ۵۴۴).

(قمی، ۲۰۱/۲). غالب مفسران «سرزمین‌های مبارک» را به سرزمین شامات (شام و فلسطین و اردن) تفسیر کرده‌اند، چرا که این تعبیر درباره‌ی همین سرزمین در آیه اول سوره الاسراء و ۸۱ الانبیاء آمده است. ولی بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که منظور، آبادی‌های «صنعاء» یا «مارب» بوده باشد که هر دو در منطقه‌ی یمن واقع شده است، و این تفسیر بعید نیست زیرا فاصله‌ی بین یمن که در جنوبی‌ترین نقطه‌ی جزیره‌ی عربستان است و با شامات که در شمالی‌ترین نقطه قرار دارد به‌قدری زیاد است و از بیابان‌های خشک و سوزان پوشیده بوده است که تفسیر آیه به آن بسیار بعید به‌نظر می‌رسد و در تواریخ نیز نقل نشده است. بعضی نیز احتمال داده‌اند که منظور از سرزمین‌های مبارک سرزمین «مکه» باشد، که آن هم بعید است (مکارم، ۶۳/۱۸).

مراد از قرای ظاهره، این است که نزدیک به‌هم و پشت سرهم قرار داشتند، بطوری که از این قریه آن قریه دیده می‌شد. (طباطبایی، ۳۶۵/۱۶). ابن عباس آنرا منطقه‌ای بین مدینه و شام می‌دانسته است. از مجاهد نیز نقل شده که مراد از «قرای ظاهره» سروات (نام منطقه‌ای) است (طبری، جامع‌البیان، ۵۸/۲۲).

برخی از مفسران قرای ظاهره را اینگونه تفسیر کرده‌اند: اشاره به آبادی‌های متصل است که درست در مسیر راه بطور آشکار قرار داشته بگونه‌ای که هر قریه‌ای از قریه دیگر دیده می‌شد، و مسافران به‌خوبی می‌توانستند در آنها توقف کنند، و یا اینکه این آبادی‌ها بر بالای بلندی قرار داشته و برای عابرین یا برای سواری که از راه عبور می‌کرد ظاهر و آشکار بوده است (طبرسی، جوامع الجوامع، ۳۴۷/۳؛ مکارم، ۶۳/۱۸).

۵-۲. گونه‌شناسی مصداقی «قرای ظاهره» در روایات

در رمزگشایی از آیه‌ی پیش‌گفته، آنچه در پی می‌آید جملگی گزارش‌هایی است که مفهوم و مصداق عبارت «قرای ظاهره» را با تکیه بر تفسیر روایی روشن می‌سازد:

۱. امام باقر(ع) به حسن بصری پیرامون مفهوم عبارت «قرای ظاهره» در آیه ۱۸ سوره

سبا فرمود: «شنیده‌ام تو به مردم گفته‌ای آن شهر مکه است؟ آیا کسانی که قصد حج داشته‌اند تاکنون در بین راه مکه آن‌ها را دزد نزده است و آیا اهل مکه ترس و وحشت ندارند و اموال آن‌ها را نمی‌برند، پس چطور در امان هستند؟ این مثال را خدا در قرآن درباره‌ی ما فرموده؛ ما آن قریه‌هایی هستیم که خداوند برکت در آن‌ها قرار داده، این است معنی فرموده‌ی خدا، هر کس اقرار به مقام ما داشته باشد همان‌طوری که خداوند آن‌ها را امر کرده که به جانب ما رو آورند فرموده: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» یعنی بین آن‌ها و بین شیعیان‌شان، روستاهایی که پر برکت هستند و روستاهایی نمایان هستند، قرار دادیم و منظور از «قُرَى ظَاهِرَةً»؛ بیک‌ها و ناقلین علوم ما به شیعیانمان و دانشمندان شیعه هستند که به شیعیان تعلیم می‌دهند. «وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ»؛ که منظور از سیر و حرکت، انتقال علم است [از ما به شیعیانمان] و منظور از «لَيَالِي وَاَيَّامًا» این است که در شب‌ها و روزها از جانب ما علم به‌سوی آن‌ها می‌رسد، علم حلال و حرام و فرائض و احکام زمانی که از معدن دانش که دستور استفاده از آن داده‌شده استفاده کنند از شک و گمراهی و افتادن از حرام به حلال ایمن هستند. زیرا علم را از کسانی استفاده نموده‌اند که با این استفاده، شایسته‌ی مغفرت و آمرزش می‌شوند، چون آن‌ها اهل میراث علم از زمان آدم هستند تا زمانیکه به ایشان منتهی شده، نژادی برگزیده که با یکدیگر پیوسته‌اند، این برگزیدگی به‌شما نرسیده، بلکه مختص به ما است، ما همان نژاد هستیم نه تو و اشخاصی شبیه تو، ای حسن» (طبرسی، الاحتجاج، ۲/۳۲۷).

۲- ابو حمزه ثمالی روایت می‌کند: یکی از قاضیان اهل کوفه نزد امام سجاد (ع) آمد و تفسیر آیه ۱۸ سوره سبا را جويا شد. حضرت فرمود: «مردم قبل از شما در عراق در تفسیر این آیه چه می‌گفتند؟» آن قاضی پاسخ داد: «می‌گویند که منظور از آیه، مکه است». حضرت از او پرسید: «آیا دزدی و سرقت را در مکانی بیشتر از مکه دیده‌ای؟» آن قاضی پرسید: «پس منظور آیه چیست؟» حضرت پاسخ داد: «منظور آیه، تنها مردان است» (بدرستی خدای متعال از لفظ قری اراده‌ی رجال نمود). آن قاضی پرسید: «در کجای کتاب

خدا شبیه این مورد داریم که قُری (آبادی‌ها) به معنای مردان آمده باشد؟ و حضرت آیات «۸ الطلاق»، «۵۹ الکهف»، «۸۲ یوسف» و آیات دیگری را به همین معنا، تلاوت نمود. آن قاضی گفت: «آن‌ها چه کسانی هستند؟» حضرت پاسخ داد: «منظور از آن‌ها، ما (اهل بیت) هستیم». همچنین حضرت پیرامون تفسیر آیه: سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيْمًا آمِنِينَ، فرمود: «منظور این است که آنان از انحراف در امان هستند» (طبرسی، الاحتجاج، ۳۱۳/۲).

۳- عبدالله رمانی از امام سجاد (ع) نقل می‌کند که فرمود: «کسی که قرآن تفسیر می‌کرد پیش من آمد». امام به او فرمود: «این آیه (۱۸ سبا) را چگونه تفسیر می‌کنی؟» گفت: «منظور بین مکّه و منی است». امام صادق (ع) به او فرمود: «آیا در آنجا ترس و دزدی هست؟» گفت: «آری». فرمود: «چگونه خداوند می‌فرماید محلی امن است ولی ترس و دزدی در آن وجود دارد؟! عرض کرد: «پس چیست؟» فرمود: «منظور از آیه ما هستیم. شما را به ناس تعبیر کرده و ما را به قریه». گفت: «فدایت شوم، آیه‌ای در قرآن به من نشان دهید که منظور از قریه مردم باشند». امام سجاد (ع) فرمود: «مگر خداوند نمی‌فرماید: وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا» (یوسف، ۸۲) بگو ببینم، آیا باید از درو دیوارها بپرسد یا از مردم؟ و خداوند می‌فرماید: حقیقت را از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم بپرس.» (استرآبادی، ۴۶۱).

۴- محمد بن صالح همدانی نیز عرضه حدیثی داشته است. او که از وکیلان امام زمان (ع) بوده، در معرض طعنه‌ها و زخم‌زبان‌های اطرافیان خود قرار می‌گیرد و در مکاتبه‌ای به امام از این وضعیت شکوه می‌کند. او می‌گوید: به امام زمان (عج) نوشتم: خانواده‌ام مرا می‌آزارند و با حدیثی که به پدرانت نسبت می‌دهند، مرا خوار و خفیف می‌سازند. آنان نقل می‌کنند که پدرانت گفته‌اند: خدمتگزاران و کارگزاران ما، بدترین مخلوقات خداوند هستند. امام در پاسخ نگاشت: «وای بر شما! مگر نخوانده‌اید که خداوند متعال [در قرآن] گفته است: «و ما میان آنها و شهرهایی که در آنجا برکت دادیم، شهرهایی آشکار، قرار دادیم.» به خدا قسم ما آن قریه‌های مبارک، و شما (خدمتگزاران ما) قریه‌های آشکارید.» (طوسی، الغیبه، ۳۴۵؛ صدوق، کمال‌الدین، ۴۸۳/۲).

واکاوی در روایات تفسیری پیرامون این عبارت نمایانگر آنست که ائمه (ع) خویش را قرائ مبارکه و فقها، راویان و دانشمندان شیعه که به شیعیان تعلیم می‌دهند و منتقل‌کننده‌ی علوم ایشان‌اند را، قرائ ظاهره معرفی می‌کنند.

برای تعیین مصادیق قرائ ظاهره با رجوع به علم رجال و دست‌یازیدن به یکی از ادله بر توثیق راوی، که کثرت روایت از معصوم است را می‌توان با دو روایت از امام صادق (ع) که تاییدکننده‌ی این گزاره است، تبیین کرد:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: اَعْرِفُوا مَنَازِلَ الرَّجَالِ مِنَّا عَلَى قَدْرِ رَوَايَاتِهِمْ عَنَّا (کشی، ۳). همچنین فرمود: منزلت شیعیان ما را به اندازه روایاتی که از ما می‌دانند بشناسید. چرا که ما شیعه فقیه را فقیه نشماریم مگر این‌که محدث باشد. عرض شد: آیا مؤمن هم محدث می‌باشد؟ فرمود: مؤمن، مفهم است و مفهم همان محدث می‌باشد^۱ همانگونه که ملاحظه می‌گردد در این روایات، شناخت منزلت شیعیان را به‌اندازه‌ی توجه دادن به کارکرد دین‌گسترانه و انتقال حدیث به بهترین شکل ممکن به جامعه می‌داند. برآیند نکته‌ی پیشین چنین است که عبارت «منازل شیعتنا» در بیان شاخصه راویان مورد وثوق برای دریافت آموزه‌های صحیح است. پرواضح است که هرچه دامنه‌ی دین‌گستری راوی افزایش یابد، جامعیت علمی او فراتر می‌رود تا آنکه به مقام فقاهاست دست می‌یابد و از آنجایی که کمیت روایات نقل شده از محضر اهل‌بیت، یکی از راه‌های شناخت راوی به‌حساب آمده است. با واکاوی در کتب اربعه پیرامون کمیت احادیث نقل‌شده، درمی‌یابیم که بیشترین میزان حدیث از صادقین (علیهما السلام) نقل شده که توسط راویان ایشان به ما رسیده و به‌سخن دیگر صادقین بیشترین میزان فقیه را در عصر خودشان تربیت کردند که بیشترین میزان حدیث توسط این راویان پرکار^۲ و فقها به‌ما رسیده است و راویان امام‌باقر نیز به‌عنوان سرشاخه‌ی

۱. محدث کسی است که علوم و اخبار آسمانی به وسیله الهام با صدای فرشته به او می‌رسد اما شخص فرشته را نمی‌بیند و مفهم (تفهیم شده) کسی است که از طریق رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه (ع) تفسیر و تأویل قرآن به او فهمانیده شده باشد.

۲. راویان پرکار یعنی راویانی که در طرق نقل بسیاری از کتاب‌ها قرار گرفته‌اند (حسینی، ۱۷۴).

اصلی زنجیره‌ی انتقال آموزه‌های شیعه‌اند. از آنجایی که پیش‌تر گفته شد قرای ظاهره همان فقیهانند؛ بنابراین می‌توان گفت قرای ظاهره در عصر امام‌باقر پویاتر بوده و بیشترین میزان دریافت آموزه‌های دینی در رفع نیاز و اصلاح جامعه و انتقال به نسل‌های پسینی از سوی ایشان صورت گرفته است. از این رو می‌توان اصحاب‌الباقر را قرای ظاهره دانست. برای اثبات این مدعا می‌توان از اسانید موجود در کتب اربعه استفاده کرد، که میزان سند رسیده از امام باقر (ع)، به عدد ۸۲۷۴ سند است که ۳۶۰ نفر آنها را نقل کرده‌اند (روی‌عنه) و از بین این تعداد، افرادی که فراوانی بالای ۱۰۰ سند را داشتند جدا کرده و در جدول ذیل درج گردیده است:

جدول ۲: استنباط مصداقی قرای ظاهره از روایات

نام شاگرد	تعداد سند	درصد سند
۱ محمد بن مسلم الثقفی	۱۸۶۶	۲۴/۱۹
۲ زراره بن اعین الشیبانی	۱۸۶۵	۲۴/۱۷
۳ یحیی ابوبصیر الاسدی	۴۳۶	۵/۶۵
۴ محمد بن قیس ابو عبدالله البجلی	۳۸۰	۴/۹۳
۵ جابر بن یزید جعفی	۲۹۳	۳/۸۰
۶ ثابت بن دینار ابو حمزه الثمالی	۲۴۰	۳/۱۱
۷ الفضیل بن یسار النهدی	۲۱۰	۲/۷۲
۸ برید بن معاویه العجلی	۲۰۲	۲/۶۲
۹ زیاد ابو عبیده الحذاء	۱۷۲	۲/۲۳
۱۰ بکیر بن اعین الشیبانی	۹۸	۱/۲۷

از این آمار بدست می‌آید که ۷۴/۶۹ درصد از تراث حدیثی امام باقر توسط ده راوی کوشا و ۲۵/۳۱ درصد دیگر توسط ۳۵۰ راوی دیگر نقل شده است. با دستاویز قراردادن قاعده‌ی توسعه‌ی معنایی درمی‌یابیم که فقهای بعد از عصر امام باقر و همچنین فقهای معاصر، نیز مصداق قرای ظاهره قرار می‌گیرند اما با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد، تمرکز

این پژوهش بر فقهای عصر امام باقر(ع) است.

تبیین جایگاه قرای ظاهره و کارکرد آنها در پرتو بازخوانی وضعیت شیعه در قبل و بعد از زمان امام باقر مقدور خواهد بود. پس اگر بنا است تا درباره‌ی افراد قرای ظاهره گفتگو شود، بایستی گزارش‌ها و ارزیابی داده‌ها، در شرایط و فضای فرهنگی و اجتماعی همان عصر نگریسته شود. و بدینگونه است که در پرتو حقایق و واقعیت‌های حاضر در جامعه می‌توان کارکردهای فرهنگی اصحاب و پرکارترین مجموعه ایشان را موشکافی نمود.

۶. بررسی وضعیت فرهنگی جامعه شیعه در آغاز امامت امام باقر(ع)

یکی از پیش‌نیازهای ورود به گفتگاه «قرای ظاهره»، آگاهی از فضای درونی و پیرامونی جامعه شیعه در آغاز امامت امام باقر(ع) است. به این معنا که در درون جامعه‌ی شیعه چه مشکلاتی پدیدار بوده‌است؟ یا پیرامون جامعه شیعه از سوی مدعیان فرهیختگی جامعه اهل سنت، نظام یا نظام‌های سیاسی حاکم، چه موانعی مطرح بوده‌است؟ سزاوارست در واکاوی جامعه شیعه در عصر امامت امام باقر(ع) پنج محور ذیل مورد توجه قرار گیرد تا تحلیل واقع‌بینانه باشد:

۶-۱. فقر فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی شیعی

بنیانگذار گسترش و تحکیم فرهنگ شیعه، امام باقر(ع) هستند و یکی از دغدغه‌های مهم امام صادق(ع) پاسداشت از میراث پدرشان، حاکمیت میراث ایشان بر جامعه، و ارزش‌گذاری بر کسانی که در دریافت و انتقال این میراث به بستر فرهنگی جامعه کوشا بوده‌اند. امام صادق(ع) در گزارشی وضعیت فرهنگی جامعه شیعه را در ابتدای امامت امام باقر(ع) برای عیسی بن سری اینگونه بیان می‌کند:

«... حضرت فرمود: تا پیش از ابو جعفر [امام باقر(ع)] شیعه فروع و احکام مناسک حج و حلال و حرام خود را به درستی نمی‌دانستند تا اینکه دوران امام باقر(ع) فرارسید و ایشان

دانش را برایشان گشود و مناسک حج آن‌ها و حلال و حرامشان را بگونه‌ای برایشان تبیین کرد که مردم نیازمند آنان گشتند در حالی که پیش از آن شیعیان به‌دیگران نیازمند بودند...» (کلینی، ۱۹/۲).

درخوانشی نمایه‌وار از حدیث یادشده، می‌توان بنیادی‌ترین داده‌های آن را چنین برشمرد:

۱. وضعیت نابسامان فرهنگی جامعه‌ی شیعه در ابتدای امامت امام‌باقر(ع) بگونه‌ای که شیعیان در روزمره‌ترین نیازهای فرهنگی، یعنی شناخت آموزه‌های فقهی و کاربست آن در عرصه‌ی روابط فردی و اجتماعی، تهیدست بودند.

۲. حرکتی که امام باقر(ع) برای برون رفت از آن وضعیت انجام دادند.

۳. برآیند و نتیجه‌ی آن حرکت؛ آشفته‌گی و ازهم گسستگی فرهنگی به قرار و سامان می‌انجامد. در این جایگاه دو پرسش مهم مطرح است:

اولاً اینکه چگونه با گذشت چهار نسل از امامان شیعه و فعالیت‌ی نزدیک به ۸۵ سال پس از درگذشت پیامبر اسلام، وضعیت فرهنگی شیعیان بدین حد از آشفته‌گی و انحطاط رسید؟

بی‌گمان درنگ در این بازه‌ی ۸۵ ساله، نشان از بی‌مهری‌های فراوان جامعه‌ی اسلامی به قرآن، جایگاه هدایتی آن، و نیز نهاد استمرار بخش هدایت قرآنی پس از پیامبر دارد؛ به‌گونه‌ای که نه تنها فرهنگ عمومی جامعه‌ی اسلامی، بلکه فرهنگ جامعه‌ی شیعیان نیز در پرتو این روی برتافتن، دچار انحطاطی فراگیر و نیازمند بازسازی همه جانبه شد (حسینی، ۲۳۷). می‌توان از برخی عوامل اینگونه یادکرد:

- قرآن‌بستگی در جهت تهی‌سازی معرفت دینی (کلینی، ۵۹/۸؛ ابن‌حنبل، ۱۳۳/۴).
- به‌کنار گذاشتن اهل بیت (طبری، تاریخ‌الرسول، ۳۷۵/۵).
- چگونگی تعامل با قرآن (کلینی، ۱۴۲۹، ۶۸۹/۱۵).
- دورماندن جامعه از آموزه‌های برخاسته از قرآن و سنت پیامبر در اثر گسترش و نفوذ فرهنگ دگرگونه و حضور پررنگ چهره‌های فرهنگی تخریب‌گر (کلینی، ۱۴۲۹، ۳۰۹/۲).
- راه‌یابی تدریجی خود رایی در کشف آموزه‌های دینی به‌دلیل فاصله‌گیری از نهاد

امامت (سیدرضی، ۶۰-۶۱؛ مفید، الامالی، ۵۱-۵۲).

این عوامل پیامد نادیده گرفتن دغدغه‌های قرآن و پیامبر در دریافت آموزه‌های دینی از مسیر و مجرای نهاد امامت بود. گذشت زمان باعث گسترش این پدیده شد بگونه‌ای که شیعیان با یک تهاجم فرهنگی در باورهایشان روبرو بودند.^۱

دوماً اینکه آیا مرتفع شدن فقر فرهنگی و دگرگونی آن به سمت تقویت وضعیت فرهنگی شیعه و نیاز جامعه‌ی رقیب به داده‌های فرهنگی شیعه حاصل یک کار کرامت گونه‌ی لحظه‌ای از سوی امام بود یا نتیجه‌ی یک کار فرهنگی حساب شده‌ی گام‌به‌گام تأثیرگذار، هوشمند، آگاهانه و آینده‌نگر؟

بازخوانی احادیث و نگاشته‌های حدیثی شیعه، از این حقیقت پرده برمی‌دارد که مسیر استوار دستیابی به سامان بخشی به تمام زوایای فرهنگ شیعی جز از این سه راه ممکن نبود:

۱. ترغیب به دانش‌اندوزی دینی و پیدایش راویان‌کوشا و فرهنگ گستر (کلینی، ۱۴۲۹، ۷۹/۱؛ صفار، ۷/۱).

۲. دستور به نگارش یافته‌های دین‌شناختی (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۲۹/۱).

۳. انتقال مجموعه احادیث شیعی با کمترین میزان آسیب‌پذیری و بالاترین میزان باورپذیری (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۲۸/۱).^۲

۲-۶. توطئه فرهنگی جامعه رقیب علیه فرهنگ شیعه

حداقل از زمان امام باقر(ع) تمام زیر گروه‌های فرهنگی موجود در جامعه اهل سنت^۳ دست‌به‌دست هم دادند تا یک فعالیت فرهنگی عمیق و گسترده را علیه فرهنگ شیعه سامان بدهند و یک سد علمی محکم میان مردم و ارتباط‌گیری با اهل بیت ایجاد کنند. توجه به

۱. نک: اعتبار سنجی احادیث شیعه، ص ۲۶۷ تا ۲۷۷.

۲. نک: مقاله آسیب شناسی رویکرد حدیث پژوهی جریان سلفی گری ایرانی با تبیین نظام حاکم بر اعتبارسنجی احادیث شیعه، سفینه، ص ۶۸-۷۰.

۳. در جامعه‌ی فرهنگی رقیب سه زیر گروه فعال می‌توانیم ببینیم: یکی اهل رای، دیگری اهل حدیث (ظاهرگرایان) و سومی معتزله که هر سه زیر گروه با شیعه اختلافاتی داشتند.

گفتگوی امام‌باقر (ع) و سدید صیرفی در گزارش ذیل، راستی این مطلب را به‌خوبی روشن می‌کند:

«...آنگاه فرمود: ای سدید! بازدارندگان از دین خدا را به تو نشان خواهم داد، پس به ابوحنیفه (راس اهل‌رای) و سفیان ثوری (راس اهل‌حدیث) - که در آن هنگام بصورت حلقه‌حلقه در مسجد بودند - نگرست و فرمود: اینان‌اند کسانی که بدون هدایتی از سوی خدا و کتابی آشکار مردم را از دین خدا بازمی‌دارند، کاش در خانه‌های خود می‌نشستند و مردم می‌گشتند و کسی را نمی‌یافتند که از خداوند تبارک و تعالی و رسولش به آن‌ها خبر دهد و نزد ما می‌آمدند تا به آنان درباره‌ی خداوند تبارک و تعالی و رسولش آگاهی دهیم.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۹۲/۱).

۳-۶. تهدید جان شیعیان و بایستگی اصل تقیه در همه امور

همواره تهدید جان ائمه و شیعیان بویژه افراد کوشا در نشر فرهنگ شیعی، از سوی جریان رقیب چه جریان فرهنگی و چه جریان سیاسی، تهدیدی جدی برای استمرار حیات فرهنگی - اجتماعی شیعیان به‌شمار می‌رفت و از دوران امامت امام‌باقر (ع) شدت یافت و تا زمان امام‌صادق (ع) ادامه داشت و گاه شدت تهدید بدان اندازه بود که اگر شیعیان در وقت خواندن نماز به یک روش عمل می‌کردند، شناسایی می‌شدند و جانشان به‌خطر می‌افتاد (کلینی، ۲۷۶/۳).

بیان تقیه‌گونه‌ی آموزه‌های دینی، راهکاری بود که از سوی نهاد امامت برای رویارویی با این تهدید و برون رفت از این بحران به اجرا گذاشته شد. بگونه‌ای که سرگردانی در درک چگونگی رفتار امام در پراکندن آموزه‌های اختلاف برانگیز، پیامد آن بود. گزارش زیر این فضا را به‌خوبی ترسیم می‌کند:

«زراره گوید: از امام باقر (ع) درباره‌ی مسالهای پرسیدم و آن حضرت به من جواب داد، سپس مرد دیگری آمد و درباره‌ی همان مساله پرسید و امام جوابی متفاوت با آنچه به

من گفت، به او فرمود، آنگاه مرد دیگری آمد و بازهمان سوال را مطرح نمود و امام به او نیز جوابی غیر از دو جواب پیشین داد. چون آن دو مرد رفتند، عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! این دو مرد از شیعیان شماینند و از عراق آمده‌اند، [چرا] به هر یک جوابی متفاوت از دیگری دادید؟ فرمود: ای زراره! این کار برای ما بهتر و برای بقای ما و شما مناسب‌تر است، اگر هماهنگ و یک‌رای باشید، مردم از ارتباط ما و شما مطلع می‌گردند که [این امر] بقای ما و شما را به خطر می‌اندازد. زراره گوید: به امام سجاد (ع) عرض کردم: اگر شیعیان خود را به طرف نیزه‌ها بفرستید یا به کام آتش بیفکنید، اطاعت می‌کنند ولی شما به آنان فتوای متفاوتی می‌دهید! آن حضرت نیز به مانند پدرش به من جواب داد. «(کلینی، ۱۴۰۷، ۶۵/۱)

آموزه‌هایی که در پوشش تقیه در اختیار جامعه‌ی شیعی قرار می‌گرفت گاهی به صورت سکوت و کتمان در بیان آموزه‌ها نمود داشت. برای نمونه در گزارشی که یکی از کهن‌ترین گزارش‌های شیعه و یکی از مهم‌ترین داده‌های تحلیل تاریخ حدیث شیعه است، امام باقر (ع) کتابی که با املا رسول خدا و خط علی (ع) نگاشته شده را در اختیار زراره قرار می‌دهند که محتوای آن در تعارض با باورها و رفتار عمومی جامعه و نیز ناسازگار با یافته‌های زراره بود، حتی در مسائلی که مورد اختلاف مردم نبود مانند صلح‌رحم و امر به معروف؛ که امام شرط در اختیار گذاشتن صحیفه را آشکار نداشتن محتوای آن قرار دادند (کلینی، ۱۴۰۷، ۹۴/۷).

۶-۴. آشکارنبودن همه‌ی آموزه‌های پیرا امامتی و چگونگی اعتبارسنجی احادیث

در جامعه‌ی شیعه مهم‌ترین عامل نزاع بین اصحاب، آشکار نبودن همه‌ی آموزه‌های پیرا امامتی^۱ و یکسان نبودن تلقی اصحاب در چگونگی باور به مقامات معصومین است. امام و راوی سرشناس باید بگونه‌ای حرکت کنند که این نزاع به حداقل برسد و بتواند بستری را

۱. منظور از آموزه‌های پیرا امامتی، آموزه‌هایی است که حول مبحث امامت است.

برای انتقال حداکثری آموزه‌های باورپذیر شیعه فراهم کند. نمونه‌ی زیردرستی این برداشت را دربردارد:

ضریس‌کناسی گوید: «از امام باقر(ع) در حالی که عده‌ای از اصحابش نزد او بودند شنیدم که فرمود: عجب دارم از مردمی که دوستی ما را پیشه کنند و ما را پیشوایان خود قرار می‌دهند و اطاعت ما را همانند اطاعت رسول خدا واجب می‌دانند سپس به سبب ضعف دل‌هایشان حجت خود را شکسته و با خودشان ستیز کرده پس حق ما را اندک نموده و به کسی که خدا برهان حق معرفت ما و تسلیم به امر ما را عطا نموده خرده می‌گیرند. آیا گمان می‌کنید که خداوند تبارک و تعالی پس از آن که اطاعت اولیای خود را بر بندگان واجب نموده اخبار آسمان‌ها و زمین را از آنان مخفی بدارد و مایه‌های علم را در آنچه از آن‌ها سوال می‌شود و قوام دینشان در آن است از آنان دریغ می‌دارد؟...» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۲۶۱).

مهم‌ترین پیامد آشفتگی اصحاب و نداشتن روحیه‌ی یکسان در چگونگی برخورد با احادیث رسیده از معصوم آن است که گاه به افراط در کنار گذاشتن آموزه‌های دینی، پذیرفتن احادیث صادره از معصوم یا به تعبیر دیگری که خود امام در حدیث می‌آورند، پذیرفتن احادیث نسبت داده شده به معصوم منجر می‌شد. کلینی گزارشی را بدین‌سان فراز آورده است:

«ابوعبیده حذاء گوید: امام باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند محبوب‌ترین یارانم نزد من، پارساترین و دانشمندترین و راز نگهدارترین آنان نسبت به حدیث ماست و بدترین آنان نزد من کسی است که چون حدیثی را بشنود که از ما روایت شود و آن را نپسندد، از آن تنفر کند و آن را انکار نماید و کسی را که بدان اعتقاد پیدا کرده تکفیر نماید، و حال آنکه او نمی‌داند که شاید حدیث از ما صادر شده و سندش به ما رسانده شود پس چنین کسی با این کارش از ولایت ما خارج می‌گردد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۲۲۳).

یکی از مهم‌ترین عوامل در تمام اعصار صدور روایت از جانب امام، تحمل^۱ راویان

۱. رک: مقاله «منابع مکتوب، طرق تحمل و نقش چندگانه‌ی راویان در اعتبارسنجی احادیث امامیه»؛ «تحمل حدیث» به معنای حمل حدیث یا به عبارت دیگر فراگیری حدیث از استاد است.

درجه اول و انتقال آن به بدنه‌ی عمومی جامعه است. یکی از مشکل‌ترین بازه‌های زمانی برای اندوختن آموزه‌های شیعی و انتقال آن، دوره‌ی حضور است بویژه دوره‌ی امام‌باقر(ع). پیام‌های اجتماعی صادره از امام‌باقر(ع) گوه‌رهایی هستند که در آشنایی با گذشته، چگونگی تحلیل تاریخ فرهنگ شیعه و نصب‌العین قراردادن راهکارها و هشدارهایی^۱ که حضرت ارائه کردند، از جمله پذیرش ولایت اهل‌بیت، به‌عنوان مهمترین عنصر تحقق ایمان (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۴۶/۱)، گردش بر محور اهل‌بیت در دریافت و یادگیری آموزه‌های هدایتی قرآن (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۹۸/۴-۱۹۹)، فرازمانی و مکانی بودن قرآن و اسلام و جامعیت آموزه‌های نهفته در آن (کلینی، ۲۶۵/۲ و ۵۶/۳) و... موثرند. این هشدارها به هدف در امان ماندن دین از هرگونه انحراف و کژی در طول تاریخ (ع. حمیری، ۷۷) و پیراستن حقیقت دین از هرگونه افزایش و کاستی (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۳۳/۱) ثمر آمده است. سه پیامد نقش‌آفرین در ترمیم فرهنگ ناسامان شیعی و تاثیرگذار در فرایند اعتبارسنجی و داوری درباره راویان و محدثان چنین‌اند:^۲

- افزایش توان دین‌شناسی فرهیختگان جامعه‌ی شیعی (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۴۲/۱ و ۱۴۴).
- تجدیدنظر در داوری‌های پیشین با تکیه بر نقد محتوایی آثار راویان (نجاشی، ۸۹۱).
- توان پاسخگویی به نیازهای نو پیدا در عرصه‌ی جامعه‌ی دینی (طوسی، تهذیب، ۲/۱ و ۳).

۵-۶. بروز آموزه‌های انحرافی غالیانه و بنیان افکن از بستر فرهنگی جامعه‌ی شیعه

پدیده‌ی غلو، هشدارها و مبارزه‌ی ائمه در رویارویی با این جریان، از جمله مسائل مهم تاریخی اسلام است.^۳ جریان غلو با کاستن از عظمت خداوند با گستراندن باور به ربوبیت امامان (کشی، مدخل ۵۳۸) و ترویج اباحه‌گری و فقه‌گریزی در بستر جامعه (طوسی، الامالی، ۶۵۰) فعالیت می‌کردند. این جریان از همان قرون اولیه‌ی اسلام درصدد ارائه‌ی

۱. در کتاب الکافی «بَابُ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَایِیسِ» دربردارنده‌ی هشدارهای امام باقر(ع) است.

۲. نک: اعتبار سنجی احادیث شیعه، ص ۳۰۵ تا ۳۱۳.

۳. نک: بازخوانی گزارش دسّ و تحریف غالیان در پرتو کارکرد فرهنگی نهاد امامت.

چهره‌ای به دور از اعتدال از دین و همچنین علت نابودی امت‌ها و ادیان پیشین بوده‌است (ابن حنبل، ۲۱۵ و ۳۴۷). شیخ مفید این جریان را در کتاب تصحیح الاعتقاد خود چنین معرفی نموده است:

«از جمله متظاهران به اسلام، غالیان هستند که امیرمومنان و امامانی از نسل آن حضرت را به خداوندگاری و پیامبری نسبت می‌دهند و در برخورداری آنان از فضل در دین و دنیا، به گونه‌ای توصیفشان می‌کنند که از حد، برون می‌شود و از میانه‌روی درمی‌گذرد...» (مفید، تصحیح، ۱۳۱).

مجموعه گزارش‌های زیر بخشی از جهت‌گیری ائمه در تقابل با جریان غلو را در سه مرتبه نشان می‌دهد که مشتمل نمونه‌ی خروار است:

۱- اظهار بیزاری از غالیان و آموزه‌های آنان:

● «ابی‌بصیر گفت که حضرت ابوعبدالله به من فرمود: ای ابامحمد! من از کسی که بر این باور است که من رب هستم، بیزارم. گفتم: خدا از آنان بیزار باد. فرمود: من از کسی که بر این باور است که پیامبرم، بیزارم. گفتم: خدا از آنان بیزار باد.» (کشی، ۲۹۷).

● «ابن مسکان از کسی نقل کرده که یکی از صحابه از امام سجاد (ع) نقل کرد که فرمود: خدا لعنت کند مغیره بن سعید [سرکرده‌ی غالیان] را. او بر پدرم دروغ می‌بست. خداوند حرارت آهن را به او بچشاند. خدا لعنت کسی را که چیزی درباره‌ی ما بگوید که ما درباره‌ی خود آنرا قائل نیستیم. خدا لعنت کند کسی را که ما را از عبودیتی که خدا برای آن، ما را خلق کرده است و بازگشت و معاد ما به‌سوی او و اختیار ما در دست اوست، معاف بدارد و خارج کند.» (کشی، ۲۲۳).

۲- امر به فاصله‌گیری اصحاب از این جریان:

● «فضیل بن یسار می‌گوید: امام سجاد (ع) فرمود: نسبت به جوانتان از نیرنگ غلات به هوش باشید که آنان را به فساد نکشانند زیرا غلات بدترین آفریده‌ی خدا هستند که شکوه خداوندی را کوچک می‌سازند و برای بندگان خدا ادعای پروردگاری می‌کنند، به خدا

سوگند که غلات از یهودیان و مسیحیان و زرتشتیان و بت پرستان پلیدترند. سپس حضرت فرمود: افراط‌گر به ما باز می‌گردد و ما او را نمی‌پذیریم و سهل‌انگاره ما می‌پیوندند و ما او را می‌پذیریم، به حضرت عرض شد ای فرزند رسول خدا این چگونه است؟ فرمود: زیرا افراط‌گر به رها کردن نماز و زکات و روزه و حج خوگرفته و هرگز توانایی فرونهادن عادتش و بازگشت به فرمانبری از خداوند را ندارد. ولی سهل‌انگار آنگاه آگاه شود، انجام داده و فرمان می‌برد.» (طوسی، الامالی، ۶۵۰).

● «مفضل بن یزید گفت: امام صادق در حالیکه نام یاران ابوالخطاب و غالیان به میان آمده بود به من فرمود: با آنان همنشین و هم غذا و هم مشرب و هم میراث نشوید.» (کشی، ۲۹۷)

۳- ارائه فهرستی از راویان مورد وثوق برای اخذ معارف:

● «سلیمان بن خالد اقطع گفت: شنیدم امام صادق می‌فرمود: من کسی را نمی‌یابم که یاد ما و احادیث پدرم را احیا کند؛ مگر زراره، ابوبصیر لیث مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجل‌ی. و اگر این‌ها نبودند کسی نبود که این‌ها را استنباط نماید. این‌ها نگهبانان دین و امینان پدرم بر حلال و جرام او هستند. این‌ها سابقون و پیشگامان به سوی ما در دنیا و پیشگامان به سوی ما در آخرت هستند (کشی، ۱۳۶).»

احادیث دوره‌ی صادقین به سبب گسترش چشمگیر نقل و تدوین روایات، افزایش نگارش اصول حدیثی توسط اصحاب، و نیز دسترسی آسان و راقان و صحفیان به این متون، بستر مناسبی برای جعل و تحریف روایات از سوی جریان غلو فراهم گردید و در پی آن احادیث فراوانی به میراث حدیثی شیعه وارد یا از آن کاسته و برخی دچار دگرگونی شد (بهبودی، ۴۰) و سبب تخریب بخشی از زیرساخت‌های اعتقادی و کلامی شیعه بویژه در پیوند بانهاد امامت شد.

پیدایش دین شناسان پرکار و نگارش پرشمار کتاب‌های حدیثی و تراکم حضور این گروه و نگاشته‌هایشان در عصر امام صادق (ع) از یک سو، و نهادینه شدن تکیه بر نگاشته‌ها در گذر فرهنگ شیعه از دیگر سو، نه تنها ترمیم فرهنگ نابسامان شیعه در

آغازین روزهای امامت امام باقر را به دنبال داشت، بلکه به توانمندی فرهیختگان شیعی در رویارویی با نیازهای نوپیدا و پاسخ به آنها انجامید. بر پایه‌ی آنچه گفته آمد می‌توان چنین نتیجه گرفت که راویان و نویسندگان نگاشته‌های حدیثی و پیرا حدیثی، نقش آفرینان اصلی جامعه‌ی فرهنگی شیعه بودند (حسینی، ۳۱۳).

۷. کارکردهای فرهنگی قرای ظاهره

کشی در کتاب خود گزارشی به نقل از جمیل بن دراج این چنین آورده است که گفت: «به حضور امام صادق (ع) رسیدم، مردی را در خارج از خانه امام که از اهل کوفه و از اصحاب ما بود ملاقات کردم، همین‌که بر امام صادق (ع) وارد شدم به من فرمود: آیا تو مردی را که از نزد من خارج میشد، ملاقات کردی؟ گفتم: بلی. گفت: خداوند روح او را منزّه نگرداند و خداوند مثل او را پاک نگرداند. او از کسانی به بدی یاد می‌کند که پدرم آنها را بر حلال خدا و حرام او امین می‌شمرد و آنها گنجینه‌های علم او بودند و همچنین آنها امروز، نزد من همان مقام را دارند و امانتدار اسرار من و اصحاب واقعی من و پدرم هستند. حقیقتاً هرگاه، مردم مستحق بلا و مصیبت گردند، خداوند بواسطه‌ی ایشان، بدی را از آنان دور می‌کند. ایشان چه مرده باشند و چه زنده، ستارگان شیعه ما هستند. آنها یاد پدرم را زنده نگه می‌دارند و خداوند بوسیله‌ی آنها هر بدعتی را برطرف می‌نماید و از این امت، عقاید باطل‌گرایان و تاویلات غلوکنندگان را خنثی می‌کند. گفتم اینان چه کسانی‌اند؟ فرمود: کسانی که صلوات و رحمت خدا بر زنده و مرده آنان باد. آنان بریدعجلی، زراره، ابوبصیر و محمد بن مسلم بودند.» (کشی، ۱۳۷).

گزارش پیش‌رو در رجال‌کشی به‌روشنی به بیان کارکرد راویان دین‌شناس که وجود خود را ظرف آموزه‌های هدایتی فراگرفته از نهاد امامت قرار داده‌اند، می‌پردازد؛ کارکردی که در پرتو بهره‌گیری دانش دینی از مجرای عصمت و کاربست درست آن در عرصه اجتماع، برای این گروه از راویان رقم می‌زند. گزارش‌های در پیوند با کارکردهای قرای

ظاهرة را در چهار محور می‌توان جای داد:

۷-۱. دریافت آموزه‌های هدایتی از مجرای امامت

کشی در نمایاندن سیمای علمی زراره، روایتی را از امام رضا نقل می‌کند که فرمود: فَقَالَ أَتَرَى أَنَّ أَحَدًا كَانَ أَصْدَعَ بِحَقِّ مِنْ زُرَّارَةَ (کشی، ۱۴۳). در گزارشی دیگر امام سجاده (ع)، محمدبن مسلم را فردی دانا به احکام خداوند و آگاه به سیره پیامبر گرامی معرفی می‌کند (کشی، ۱۶۳). تا جایی که عبدالله بن ابویعفرور گفت: «به حضرت ابوعبدالله گفتم: هر موقع امکان ملاقات با شما را ندارم و امکان حضور برای همیشه مقدور نیست، مردانی از اصحاب ما می‌آیند و از من سؤالاتی می‌پرسند و من جواب همه‌ی سؤالات آنان را نمی‌دانم. امام صادق فرمود: چه چیز تو را از اینکه به محمدبن مسلم مراجعه کنی و جواب سؤالات را بگیری، باز می‌دارد؟ به درستی که او از پدرم دریافت حدیث می‌کرد و نزد پدر بزرگوام، فردی موجه و آبرومند بوده است.» (کشی، ۱۶۱). ظرف دانش امام بودن، روشنایی بخشی در مسیر دانش افزایی دینی جامعه‌ی شیعی، از ویژگی‌های بارز وی بود.

این افراد علاوه بر مقبولیت علمی از محبوبیت فردی نیز نزد امام برخوردار بودند تا جایی که کشی از فضل بن عبدالملک نقل می‌کند که گفت: «شنیدم امام سجاده (ع) فرمود: دوست داشتنی‌ترین مردم نزد من، چه مرده و چه زنده، چهار نفرند. برید عجلی و زراره و محمدبن مسلم و ابوبصیر است» (کشی، ۱۳۵). همچنین اینان از کسانی هستند که خداوند در حقشان فرمود: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ.» (کشی، ۱۳۶).

در جایی امام صادق وقتی فضیل بن یسار را دیده بود، گفت: هر کس دوست دارد به مردی از اهل بهشت نگاه کند، پس به این شخص بنگرد (کشی، ۲۱۲) و در جایی دیگر نیز فرمودند: زمین به فضیل بن یسار آرام می‌گیرد (کشی، ۲۱۳) و زمین به او انس دارد و همچنین می‌فرمود: فضیل از اصحاب پدرم می‌باشد و من کسی که یاران پدرش را دوست دارد، دوست می‌دارم.» (کشی، ۲۱۳).

۷-۲. اهتمام به حفظ امانت و انتقال صحیح میراث حدیثی

کشی در گزارش‌های گوناگون از مصادیق اصحاب‌الباقر (قرای ظاهره) به‌عنوان امین امام بر حلال و حرام، امانتدار اسرار امام، نگهبانان دین و همچنین اصحاب واقعی امام یاد کرده است (کشی، ۱۳۷).

با بر رسیدن گزارش‌های بر جای مانده استنباط می‌شود در زمان صادقین مردم اشتباهی زیادی بر دروغ بستن بر ایشان دارند و این بدان جهت است که هدفشان از حدیث و محبت ایشان، الهی نیست بلکه آنان طالب دنیایند و به یکی از اصحاب خود می‌فرمایند: برای دریافت حدیث از ما، به زراره مراجعه‌کن (کشی، ۱۳۵).

امام‌سجاد(ع) مسلم را در حدیث، فردی مطمئن می‌داند (کشی، ۱۶۵). طرح این پرسش جای دارد که محمدبن‌مسلم بر پایه کدامین ویژگی به این جایگاه علمی و نقش‌آفرینی کم‌نظیر در انتقال آموزه‌های شیعی به نسل‌های پس از خود رسید؟ پاسخ آنست که فراوانی اندوخته‌های دین‌شناختی که در پی روحیه‌ی پرسشگری محمدبن‌مسلم (کشی، ۱۶۳) پدید آمده بود، وی را به جایگاه دین‌شناس برتر (کشی، ۱۶۷) می‌رساند که توان پاسخگویی به پرسش‌های دین‌شناختی از سوی فرهیختگان (کشی، ۲۷۳) را دربردارد.^۱ بازخوانی چند گزارش از رجال کشی در این باره سودمند است:

● زیاده‌ن‌ابوالحلال گفت: اصحاب ما در روایات جابر جعفری اختلاف کردند. من بدون مقدمه، از امام‌صادق(ع) پرسیدم. وقتی وارد شدم، فرمود: خدا جابر جعفری را رحمت کند او ما را تصدیق می‌کرد (کشی، ۱۹۱).

● امام‌صادق(ع) درباره‌ی ابوحمزه فرموده: کسی نزد ما بهتر از او نیست (کشی، ۲۰۲). او در زمان خودش همچون لقمان بود و چهار نفر از اهل‌بیت را خدمت می‌کرد (علی‌بن‌حسین، محمدبن‌علی، جعفربن‌محمد و برهه‌ای از عصر موسی‌بن‌جعفر) همین‌طور از معلمان زمان خود بود و فردی فاضل و مورد وثوق و اطمینان بوده است (کشی، ۲۰۳).

۱. نک: اعتبار سنجی احادیث شیعه، ص ۲۷۸: گام‌های مدیریت فرهنگی نهاد امامت.

۷-۳. زدودن دین از پیرایه‌های ناصواب فرهنگی

مهم‌ترین پیامد نخستین گام مدیریت فرهنگی، پیدایش راویان پرکاری بود که با دریافت حداکثری آموزه‌های دینی و نشر آن در بستر جامعه‌ی فرهنگی شیعه زمینه‌ی ایمن‌سازی فرهنگ شیعی از ناراستی‌ها را فراهم می‌آورد. از طرفی دیگر جریان انحرافی غلو، برای گسترش اباحه‌گری تلاش می‌کردند که اصحاب‌الباقر (قرای‌ظاهره) با پیراستن دین از تحریف باطل‌گرایان و تاویل غلوکنندگان نقش بسزایی در دگرگونی فرهنگی ایفا کردند. کشی گزارشی پیرامون این کارکرد اصحاب بازگو کرده است: «خداوند بوسیله‌ی آنها هر بدعتی را برطرف می‌نماید و از این امت، عقاید باطل‌گرایان و تاویلات غلوکنندگان را خنثی می‌کند.» (کشی، ۱۳۷).

اصحاب برای اطمینان‌یافتن به صدور آموزه‌های دینی از معصوم بی‌درنگ احادیث گمان برانگیز را به صورت عرضه‌ی حدیث بر امام (کشی، مدخل ۹۱)، عرضه‌ی نگاشته‌های حدیثی به امام (کشی، مدخل ۱۶۷) و عرضه‌ی حدیث بر راوی دیگر (کلینی، ۹۱/۷ و ۹۸)، عمل می‌کردند. از این رو می‌توان به صحت درون مایه‌های حدیثی و آسیب‌پذیری حداقلی آنان حکم نمود. گزارش زیر نمونه‌ای از عرضه‌ی حدیث بر امام در هنگام تردید نسبت به حدیث است: «زیادبن ابی حلال گفت: از جابر احادیثی می‌شنیدم بسیار مضطرب می‌شدم و بی‌اندازه دل‌تنگ می‌گردیدم. با خود گفتم وسیله آرامش خاطر نزدیک است من می‌توانم خود را به او برسانم. شتری خریدم و راه مدینه را از پیش گرفتم. اجازه شرفیابی خدمت حضرت صادق (ع) را خواستم اجازه فرمود همین که چشمش به من افتاد فرمود خداوند رحمت کند جابر را پیوسته از ما براستی نقل می‌کرد اما خدا مغیره را لعنت کند چون پیوسته بر ما دروغ می‌بست سپس فرمود روح پیامبر در میان ما است.» (صفار، ۴۵۹).

۷-۴. منتقل‌کننده‌ی احادیث به نسل‌های پسینی

جلوگیری از نابودی و به فراموشی سپردن احادیث امام باقر (ع) حاصل تلاش‌های افرادی است از جمله زراره که با عنوان قرای‌ظاهره می‌توان از آنها یاد کرد. درنگ در

گزارش پیش‌رو بیانگر این حقیقت است:

کشی در گزارشی از امام سجاد(ع) روایت کرده است که فرمود: «خدا، زراره بن اعین را رحمت کند، اگر زراره و امثال او نبودند، احادیث پدرم نابود می‌شد.» (کشی، ۱۳۶).

۸. نتایج مقاله

هم‌اکنون، یافته‌های پیش‌گفته، گزیده این چنین است:

۱. با نظر به آیه ۱۸ سوره سبا، «قُرَى ظَاهِرَةً» را شهرها و روستاهائی که به هم نزدیک و از یکدیگر نمایان باشند، معنی کرده است. واکاوی در روایات تفسیری پیرامون این عبارت نمایانگر آنست که ائمه(ع) خویش را «قرای مبارکه» و دانشمندان شیعه را «قرای ظاهره» معرفی می‌کنند.

۲. شرایط حاکم در دوران امام باقر(ع) ایشان را بر این داشت که در این فضا چهره‌های شاخص فرهنگی پدیدار شوند و رشد کنند که نهایتاً به دگرگون سازی فرهنگ شیعی دست یازید. ۳. با تحلیل آمارهایی که از تعداد گزارش‌های رسیده از راویان خبرمی‌دهد، می‌توان مصادیق اصحاب‌الباقر از جمله: زراره بن اعین، محمد بن مسلم، برید بن معاویه عجلی را به عنوان مصادیق قرای ظاهره نام برد. با نظریه قاعده‌ی توسعه معنایی نمایانده می‌شود که علاوه بر فقهای بعد از عصر امام باقر، فقهای معاصر نیز، مصداق قرای ظاهره قرار می‌گیرند.

۴. کارکردهای فرهنگی این اصحاب را می‌توان با، دریافت آموزه‌های هدایتی از مجرای امامت، اهتمام به حفظ امانت و انتقال صحیح میراث حدیثی، زدودن دین از پیرایه‌های ناصواب فرهنگی، منتقل‌کننده‌ی احادیث به نسلهای پسینی بازشناخت.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد. بيروت: دارصادر، بی تا.
۳. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بيروت: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. بن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۵. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بيروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۶. استرآبادی، علی، تاویل الایات الظاهره، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۷. بهودی، محمدباقر، معرفه الحدیث، تهران: علمی فرهنگي، ۱۳۶۶ش.
۸. حسینی، سید علیرضا، اعتبارسنجی احادیث شیعه، تهران: سمت، ۱۳۹۷ش.
۹. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد. قم: موسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۱۰. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم. دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بيروت: الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۲. سیدرضی، حسین بن موسی، نهج البلاغه، (تصحیح صبحی صالح). قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۳۹۵ق.
۱۴. همو، من لایحضره الفقیه، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۵. صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، قم: مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بيروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۹. همو، جوامع الجوامع. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بيروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۱. همو، تاریخ الرسل والملوک، بيروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۳. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، بيروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۴. همو، الامالی، قم: دارالتقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۵. همو، الغیبه، قم: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۶. همو، الفهرست، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ق.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۲۹. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۱. همو، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۳۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: مرکز الکتاب للترجمه و النشر، ۱۴۰۲ق.
۳۳. همو، الامالی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۴. مفید، محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات الامامیه. قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.